

کدام بیت با بیت «سرّ من از ناله‌ی من دور نیست / لیک چشم و گوش را آن نور نیست» تناسب مفهومی بیش‌تری دارد؟

- (۱) دلم از عشق پرنور است و شعر از وصف تو نیکو / زلال از چشمه دان صافی شراب از جام دان روشن
- (۲) من از دهشت در این حضرت سخن پوشیده می‌گویم / در اشعارم نظر کن نیک و حالم باز دان روشن
- (۳) بدین شعر ای صنم با من کجا گردد دلت صافی / به دم آینه را هرگز کجا کردن توان روشن
- (۴) ز بس کاید به نور دل بسوزم عود اندیشه / برآید هر نفس از من دمی آتش‌فشان روشن

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی ۲: سخن، معرف شخصیت سخن‌گوست / ظاهر، آینه‌ی باطن است. مفهوم سایر گزینه‌ها:

- (۱) کمال‌بخشی عشق
- (۲) بی‌تأثیر بودن سخن و ناله‌ی عاشق
- (۳) توصیف شدت رنج عاشقی

کدام گزینه با عبارت «عشق، هرکسی را به خود راه ندهد و به همه جای بی ماوا نکند و به هر دیده، روی ننماید.» تناسب دارد؟

(۱) هر چند سوخت عشق حقیقی دل مرا / دل بستگی به عشق مجازی همان به جاست

(۲) دل تن درست گشت چو بیمار عشق شد / وز خود برست هر که گرفتار عشق شد

(۳) هر چند بی هدایت واصل نمی توان شد / در عشق سالکان را جز عشق نیست هادی

(۴) سزاوار خدنگ عشق «صائب» نیست هر صیدی / کجا تا بال آن مرغ همایون فال بگشاید

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه ی ۴: هرکسی، لیاقت و ظرفیت درک عشق را ندارد. مفهوم سایر گزینه ها:

(۱) دل بستگی به عشق مجازی، با وجود برخورداری از عشق حقیقی

(۲) بیماری عشق موجب تندرستی و گرفتاری عشق مصداق رهایی است / عشق، هم درد و هم درمان است.

(۳) راهنمای راه عشق، خود عشق است.

کدام گزینه با مضمون عبارت «چون من در آن حضرت رسم و تاب آفتاب آن جمال بر من زند، مرا از خود یاد نیاید، از تو چون یاد کنم؟!» متناسب است؟

- ۱) عشق رخ تو بابت هر مختصری نیست / وصل لب تو در خور هر بی‌خبری نیست
- ۲) دانی چه گفتم مرا آن بلبل سحری / تو خود چه آدمی‌ای کز عشق بی‌خبری
- ۳) رندی که به میخانه‌ی سید گذری کرد / تا یافت خبر مست شد و بی‌خبر افتاد
- ۴) از دل ریشم اگر بی‌خبری معذوری / کان‌که مجروح نگشته‌ست ز ریشش چه خبر؟

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک عبارت سؤال و گزینه‌ی ۳: از خودبی‌خودی هنگام وصال مفهوم سایر گزینه‌ها:

- ۱) هرکسی، لیاقت و ظرفیت درک عشق را ندارد.
- ۲) عشق، معیار ارزشمندی است.
- ۴) حال عاشق را تنها عاشق درک می‌کند.

کدام گزینه با بیت «مستمع، صاحب سخن را بر سر کار آورد / غنچه‌ی خاموش، بلبل را به گفتار آورد» متناسب‌تر است؟

(۱) از گوش پیش‌تر به دل مستمع رسد / از دل‌پذیری‌ای که بود در کلام من

(۲) مستمع را می‌برد «صائب» کلام من ز هوش / کیست تا آید برون از عهده‌ی تحسین مرا؟

(۳) هم‌چو طوطی که ز آینه به گفتار آید / شدم از دیدن روی شنوایان گویا

(۴) تو که هرگز سخن اهل سخن نشنیدی / چون سخن‌ساز و سخن‌فهم و سخن‌دان شده‌ای؟

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی ۳: شنونده‌ی نیکو‌انگیزه‌ی خوش‌سخنی سخنور است. مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) اثرگذاری سخن دل‌پذیر

(۲) سخن نیکو، هوش‌زبا و غیرقابل تقدیر است.

(۴) شگفتی شاعر از خوش‌سخنی معشوق تعلیم ندیده

کدام گزینه با رباعی زیر تناسب معنایی بیش‌تری دارد؟

«کس چون تو طریق پاک‌بازی نگرفت / با زخم نشان سرفرازی نگرفت

زین پیش دلاورا، کسی چون تو شگفت / حیثیت مرگ را به بازی نگرفت!»

(۱) در دل روشن ندارد ره تمنای بهشت / نقش یوسف می‌کند مغشوش لوح ساده را

(۲) نیست محو یار را اندیشه از زهر فنا / تلخی مرگ است شکر، مور شهدافتاده را

(۳) سرو از فکر لباس عاریت آسوده است / جامه از پیکر بروید مردم آزاده را

(۴) نیست خالص طاعت حق تا نگردد کشته نفس / می‌کند این خون نمازی دامن سجاده را

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک رباعی سؤال و گزینه‌ی ۲: پاک‌بازی و جان‌فشانی مفهوم سایر گزینه‌ها:

(۱) تقابل حقیقت‌جویی و بصیرت، با بسنده کردن به لذت‌های بهشتی

(۳) ستایش آزادگی و بی‌تعلقی

(۴) لازمه‌ی اخلاص در عبارت، ترک هوای نفس است.

کدام گزینه با آیه‌ی شریفه‌ی (تَعِزُّ مَنِ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنِ تَشَاءُ) ارتباط معنایی دارد؟

۱) عزیز هر دو عالم می‌شوم چون خاک ره گردم / چو عزت جو شوم در هر دو عالم خوار می‌گردم

۲) شود عزیز ابد آن که را دهی عزت / نهی چو داغ مذلت همیشه خوار بود

۳) هستم من آن بلند که گشتم ز چرخ پست / هستم من آن عزیز که ماندم ز دهر خوار

۴) عشق تو را نیک می‌شمردم و بد شد / جهل بود کار عشق خوار گرفتن

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی ۲: عزت و ذلت به دست خداست. مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱) خاکساری مایه‌ی عزتمندی است.

۳) توصیف ناکامی و جفاکاری روزگار

۴) نکوهش ساده‌انگاری در عشق

کدام گزینه با آیه‌ی شریفه‌ی (و مکروا و مکر الله و الله خیر الماکرین) قرابت مفهومی دارد؟

(۱) گر رحمت خدای نبودئ و فضل او / افگنده بود مکر تو در جوی و جر مرا

(۲) بدین دهر فریبنده چرا غرّه شدی خیره؟ / ندانستی که بسیار است او را مکر و دستان‌ها؟

(۳) این همه مکر است از خدای تعالی / منشین ایمن ز مکرش آخر غافل

(۴) زمین نرم بود پرده‌دار دام فریب / ز مکر دشمن هموار احتراز کنید

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک آیه‌ی شریفه و گزینه‌ی ۳: توصیه به پروا کردن از تدبیر و سلطه و عذاب خداوند. بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) توکل به خداوند و بهره‌مندی از رحمت او موجب به دور ماندن از آسیب مکر و بددلی بدخواهان است.

(۲) نكوهش فریفته شدن به روزگار مگار

(۴) نكوهش ظاهربینی و توصیه به پرهیز از مکر دشمن

کدام گزینه با بیت «که نعره زدی بلبل، که جامه دریدی گل / با یاد تو افتادم از یاد برفت آنها» تناسب معنایی بیش‌تری دارد؟

(۱) قانعان را در دل خرسند آه سرد نیست / ره نمی‌باشد خزان را در گلستان بهشت

(۲) بلبل جان من از شوق گلستان رخت / تا به کی صبر کند نعره‌زنان در قفسی؟

(۳) بی‌تو ای گل سر گل‌گشت چمن نیست مرا / که تماشای گلستان شما خوش باشد

(۴) هر که «صائب» آب زد بر آتش خشم و غضب / چون خلیل‌الله در آتش گلستان دیده است

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه‌ی ۳: معشوق انگیزه‌ی لذت بردن از زیبایی‌هاست.

بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) ستایش قناعت

(۲) تقابل عشق و صبر

(۴) ستایش خویشتن‌داری و نکوهش خشم

کدام گزینه با بیت زیر تناسب معنایی ندارد؟

«نهان گشت آیین فرزندگان / پراگنده شد نام دیوانگان»

- (۱) پیش از این در راه دین بُد صدهزار اسفندیار / گرد هفت اقلیم اکنون یک سپه‌سالار کو؟!
- (۲) ای مرده دل ز آتش حرصی که در تو هست / در موضعی که گور تو سازند، وای خاک!
- (۳) ز فصیحان و ظریفان پاک شد روی زمین / در جهان مستی بخیل کور و کرّ و لال ماند
- (۴) شاید ار دیده‌ی آزاده گهربار شود / چون شده‌ستند همه بی‌گهران باکهران

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. مفهوم گزینه‌ی ۲: نکوهش حرص

مفهوم مشترک بیت سؤال و سایر گزینه‌ها: وارونگی ارزش‌ها و تسلط بدی بر خوبی

ابیات کدام گزینه با عبارت زیر متناسب نیست؟

«جمله به طریقِ تعاونِ قوَّتی کنید تا دام از جای برگیریم که ره‌ایشِ ما در آن است»

(الف) قرب تا حاصل نشد دودم ز خرمن برنخاست / ائتّحاد شمع برق خرمن پروانه بود

(ب) حسنت به ائتّفاق ملاحمت جهان گرفت / آری به ائتّفاق جهان می‌توان گفت.

(ج) ائتّفاق است آن‌که هر دشوار آسان می‌کند / ورنه از تدبیر یک ناخن گره نتوان گشود

(د) خار و گل یک‌رنگ باشد در جهان ائتّحاد / نیست فرق از یک‌دگر پیر و جوان عشق را

(ه) پندار، من ضعیفم و ناچیز و ناتوان / بی‌ائتّحاد من، تو توانا چه می‌کنی

(۴) الف - د

(۳) ج - ه

(۲) ب - ج

(۱) الف - ج

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در بیت‌های «الف» و «د» به منظور از «ائتّحاد» رنگ باختن عناوین و ویژگی‌های فردی

عاشق و محو شدن در وجود معشوق است. در عبارت سؤال و سایر ابیات، منظور از «تعاون»، «ائتّفاق» و «ائتّحاد»،

هم‌یاری و هم‌کاری است.

در کدام گزینه اشتباه وجود ندارد؟

(۱) شلواره‌های وصله‌دار (منثور): رسول پرویزی / تمهیدات (منثور): سهروردی / هفت پیکر (منظوم): نظامی

(۲) جوامع‌الحکایات و لوامع‌الرّوایات (منثور): محمد عوفی / اسرارالتّوحید (منظوم): محمد بن منور / تحفة‌الاحرار (منظوم): جامی

(۳) فرهاد و شیرین (منظوم): نظامی گنجوی / روضه‌ی خلد (منثور): مجد خوافی / اخلاق محسنی (منثور): حسین واعظ کاشفی

(۴) لطایف الطّوایف (منثور): فخرالدین علی صفی / منطق‌الطّیر (منظوم): عطار نیشابوری / حمله‌ی حیدری (منظوم): باذل مشهدی

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) تمهیدات (منثور): عین‌القضات

(۲) اسرارالتّوحید (منثور): محمد بن منور

(۳) فرهاد و شیرین (منظوم): وحشی بافقی

اگر بخواهیم ابیات زیر را به ترتیب داشتن آرایه‌های «ایهام تناسب - تضاد - کنایه - پارادوکس - استعاره» مرتب کنیم، کدام گزینه درست است؟

(الف) گردن‌کشی به سرو سرافراز می‌رسد / آزاده به عالمیان ناز می‌رسد

(ب) هر چند بی‌صداست چو آینه آب عمر / از رفتنش به گوش من آواز می‌رسد

(ج) یعقوب چشم باخته را یافت عاقبت / آخر به کام خویش، نظرباز می‌رسد

(د) آن روز می‌شویم ز سرگشتگی خلاص / که انجام ما به نقطه‌ی آغاز می‌رسد

(ه) خون‌گریه می‌کند در و دیوار روزگار / دیگر کدام خانه‌برانداز می‌رسد؟

۱) ج - د - الف - ب - ه ۲) ه - ب - د - ج - الف ۳) ب - د - الف - ج - ه ۴) د - ج - ب - الف - ه

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ایهام تناسب (بیت «ج»): کام: ۱- آرزو ۲- دهان (تناسب با چشم و نظر)

تضاد (بیت «د»): انجام ≠ آغاز

کنایه (بیت «الف»): گردن‌کشی به طور کلی کنایه از نافرمانی، در این‌جا کنایه از ناز کردن / سرافرازی علاوه بر معنی ظاهری (بلندقامتی) کنایه از مفتخر بودن است.

پارادوکس (بیت «ب»): این‌که از یک پدیده‌ی «بی‌صدا»، آواز به گوش برسد.

استعاره (بیت «ه»): خون‌گریه کردن در و دیوار، تشخیص و استعاره است. / در و دیوار روزگار: اضافهی استعاری

در کدام گزینه به آرایه‌های بیت‌های زیر اشاره شده است؟

«ای سرو ناز حسن که خوش می‌روی به ناز / عشاق را به نام تو هر لحظه صد نیاز

فرخنده باد طلعت خوبت که در ازل / بپریده‌اند بر قد سروت قبای ناز»

(۱) جناس ناقص - ایهام - جناس تام

(۲) مراعات نظیر - اغراق - حس آمیزی

(۳) استعاره - تشبیه - جناس ناقص

(۴) استعاره - تلمیح - حس آمیزی

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. استعاره: سرو ناز استعاره از معشوق

تشبیه: قد سرو (اضافه‌ی تشبیهی) / قبای ناز (اضافه‌ی تشبیهی)

جناس ناقص: ناز و نیاز

آرایه‌های درج شده در برابر کدام گزینه نادرسبت است؟

- (۱) به ابرو فتنه‌انگیزی، به نرگس عالم‌آشوبی / به بالا آفت‌آبادی، به کاکل کافرستانی: استعاره - مراعات‌نظیر
- (۲) لب تو سوخت دل عالمی مگر ایزد / نمک ز شور قیامت در این نمکدان کرد: کنایه - مجاز
- (۳) خواهم از خلق نهانت کنم اما چه کنم / که تو خورشیدی و اخفای تو نتوان کردن: تشبیه - ایهام
- (۴) در زیر خاک دانه به ابر است امیدوار / دل را نظر به عالم بالا است بیش‌تر: اسلوب معادله - واج‌آرایی

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. تشبیه: تو به خورشید / ایهام: -
بررسی سایر گزینه‌ها:

(۱) استعاره: نرگس استعاره از چشم / نسبت دادن فتنه‌انگیزی به ابرو، عالم‌آشوبی به چشم، مایه‌ی آفت بودن (به تعبیری) به بالا (قامت) و کفر به کاکل، تشخیص و استعاره به شمار می‌رود.

مراعات‌نظیر: ابرو، نرگس (چشم)، بالا (قامت)، کاکل

(۲) کنایه: سوختن (سوزاندن) دل کنایه از بسیار آزار رساندن / نمک در نمکدان کردن کنایه از اسباب شوری و شورانگیزی را فراهم کردن

مجاز: عالم مجاز از مردم عالم

(۴) اسلوب معادله: دانه در زیر خاک / ابر / امیدوار بودن = دل / عالم بالا / بیش‌تر نظر داشتن

واج‌آرایی: تکرار مصوّت بلند «ا» (۷ بار) و صامت «ر» (۷ بار)

در همه‌ی گزینه‌ها «حذف نهاد» وجود دارد، به جز

- (۱) زان نیمه‌شب بترس که درتازد از جگر / تا کی عنان کشیده توان داشت آه خود
- (۲) تا نپرسیم از آن مست که کی می زده‌ای / چین بر ابرو زدن و ناز و عتابش نگرید
- (۳) مجلس ما هر دم از یادش بهشتی دیگر است / گر چه هرگز یاد ما حوری نژاد ما نکرد
- (۴) ز شوق او نرفتم سوی بستان، بهر آن رفتم / که شاید نخل من روزی به سوی بوستان آید

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. نهادها در گزینه‌ی ۳: «مجلس ما هر دم از یادش بهشتی دیگر است / گر چه هرگز یاد ما حوری نژاد ما نکرد». بررسی سایر گزینه‌ها:

- (۱) [تو] زان نیمه‌شب بترس که [آه من] درتازد از جگر
- (۲) تا [ما] نپرسیم از آن مست که [تو] کی می زده‌ای / [شما] چین بر ابرو زدن و ناز و عتابش نگرید
- (۴) [من] ز شوق او نرفتم سوی بستان، [من] بهر آن رفتم

ساختمان واژه‌ی قافیه در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) کنار حسرتی از طوق قمری تنگ‌تر دارم / نمی‌دانم که چون در بر کشم سرو روانش را؟
- ۲) اگر بر آسمان ناز رفته است آن هلال ابرو / به زور چرب‌نرمی می‌کشم آخر میانش را
- ۳) که حد دارد نظربازی کند با چین ابرویش؟ / دهانم تلخ شد تا چاشنی کردم کمانش را
- ۴) چه سان معلوم گردد رتبه‌ی حسن سخن «صائب»؟ / که دارد در میان گرد کسادی کاروانش را

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. روان (رو + ان): وندی. بررسی سایر گزینه‌ها:

۲) میان: ساده

۳) کمان: ساده

۴) کاروان: ساده

در کدام بیت شکل ممال شده‌ی واژه دیده می‌شود؟

(۱) چیست بودن دانی ای مرد نجیب؟ / از جمال ذات حق بردن نصیب

(۲) گران کرد رستم زمانی رکیب / ندانست لشکر فراز از نشیب

(۳) یک ساعت از آن لب میگون شکیب نیست / سرمست را شکیب کجا باشد از شراب

(۴) زاهد اندر عالم دنیا غریب / عاشق اندر عالم عقبی غریب

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. «رکیب» صورت ممال شده‌ی واژه‌ی «رکاب» است.

نقش دستوری ضمیر متصل «م» در پایان همه‌ی بیت‌ها یکسان است، به‌جز..... .

(۱) اگر چه می‌توانم زیر بار عالمی رفتن / گرانی می‌کند دست نوازش بر سر دوشم

(۲) من آن حسن غریبم کاروان آفرینش را / که جای سیلی اخوان بود نیل بناگوشم

(۳) فلک بیهوده «صائب» سعی در اخفای من دارد / نه آن شمعم که بتوان پنهان زیر سرپوشم

(۴) من از کم‌مایگی مهر خموشی بر دهن دارم / من آن بحر م که گوهر در صدف شد آب از جوشم

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. ضمیر متصل «م» در پایان گزینه‌ی ۳ نقش مفعولی دارد و در پایان سایر گزینه‌ها مضاف‌الیه

است.

در متن زیر چند غلط املایی وجود دارد؟

«ملک را بر ضعف حال او ترحم زیادت شد و خلعتی بر آن مزید کرد و پیش او فرستاد. درویش نقد را به اندک زمان بخورد و پریشان کرد و بازآمد. در حالتی که ملک را پروای او نبود، حال بگفتند. به هم برآمد و روی از او در هم کشید و از این جا گفته اند صاحبان خرد که از شدت و صورت غضب پادشاهان برحذر باید بود که همّت ایشان به معظّمات امور مملکت متعلق باشد و تحمل امور عوام نکند.»

(۱) ۲

(۲) ۱

(۳) ۴

(۴) ۳

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. املای درست واژه: سورت: شدت اثر، تندی، تیزی

در کدام گزینه غلط املائی وجود دارد؟

- (۱) شب دراز به امید صبح بیدارم / مگر که بوی تو آرد نسیم اسحارم
- (۲) حدیث دوست نگویم مگر به حضرت دوست / یکی تمام بود مطلع بر اسرارم
- (۳) از آستانه‌ی خدمت نمی‌توانم رفت / اگر به منزل غربت نمی‌دهی بارم
- (۴) هنوز قصه‌ی هجران و داستان فراق / به سر نرفتم و به پایان رسید طومارم

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. املائی درست واژه: قُرب: نزدیکی

معنی چند واژه روبه‌روی آن نادرسِت نوشته شده است؟

«توش: توانایی تحمل سنگینی یا فشار / خور: زمین پست / رُعب: هراسناک / غَنَا: نواختن / نسیان: فراموشی /

تقریظ: ستودن / مهیب: هولناک / دَد: جانور دریده / کیوان: سیاره‌ی مریخ»

۱ (۴)

۲ (۳)

۳ (۲)

۴ (۱)

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. معنی دَرَسِت واژه‌ها: رُعب: ترس، دلهره، هراس / غَنَا: توانگری، بی‌نیازی / کیوان: سیاره‌ی

زُحَل

در کدام گزینه به معنی درست واژه‌های «دستور - سودا - بطالت - نشئه» اشاره شده است؟

(۱) اجازة - دیوانگی - بیکاری - آغاز شدن

(۲) وزیر - خیال - بیهودگی - ناتوانی

(۳) فرمان - اندیشه - کنار زدن - حالت سرخوشی

(۴) راهنما - اشتیاق - کاهی - کیفوری

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. معنی درست واژه‌ها: دستور: اجازة، وزیر / سودا: خیال، دیوانگی، اشتیاق / بطالت:

بیکاری، بیهودگی، کاهلی / نشئه: حالت سرخوشی، کیفوری، سرمستی

در ابیات کدام گزینه، واژگانی به کار رفته است که به ترتیب، با واژه‌های «معمّر - فاحش - یم» رابطه‌ی تضاد دارند؟

الف) همی دود به که و دشت و بر و بحر روان / به قدر عقل تو گفتم نمی‌کنم تعمیق

ب) به خموشی نشود راز محبت مستور / چه زنی مهر بر آن نامه که مضمون پیدا است؟

ج) هر زمان یک تازه جولانگاه می‌خواهم از او / تا جنون‌فرمای من گوید دگر ویرانه نیست

د) گناه ما چه نویسند کاتبان عمل / نصیب ما ز جهان تو جز نگاهی نیست

ه) ز رنج نفس و ضعف تن اگر فرتوت گشته‌ستی / به شوق دوست جاننت را زلیخاوار برنا کن

۱) الف - ب - د ۲) الف - ج - ب ۳) ه - ب - الف ۴) ه - د - ج

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. معمّر: سالخورده ≠ برنا: جوان

فاحش: آشکار، واضح ≠ مستور: پوشیده، پنهان

یم: دریا ≠ بر: خشکی، بیابان

همه گزینه‌ها به جز با سروده زیر از سهراب سپهری قرابت معنایی نزدیکی دارند.

«چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید»

(۱) دیده ظاهر اگر پُر خَس و خاشاک کنی / از خَس و خار به دامن گل بی خار آری

(۲) همه کس را مگر این ذوق نباشد که مرا / کان چه من می نگرم بر دگری ظاهر نیست

(۳) عیب مجنون مکن ای مُنکِر لیلی که ز دور / حالتی هست که آن بر همه کس ظاهر نیست

(۴) اگر نمود به ظاهر که عشق زاد ز من / همی بدان به حقیقت که عشق زاد مرا

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مفهوم گزینه «۴»: در حقیقت، من از عشق زاییده شدم، است. (انسان با عشق حیات می‌یابد.)

مفهوم گزینه‌های «۱، ۲ و ۳» نفی ظاهربینی و این که اگر از نگاه عاشقانه به چیزی به ظاهر زشت، نگاه کنی آن را زیبا تصور می‌کنی. (نگاه آمیخته به عشق هر چیزی را زیبا می‌بیند.)